



## نقدی بر چاپ ده جلدی آعیان الشیعة

پدیدآورده (ها) : غضنفری، علی

فلسفه و کلام :: کتاب شیعه :: پاییز و زمستان 1390 - شماره 4

از 330 تا 340

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1000369>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 01/04/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

سید علی  
غضنفری

## نقدی بر چاپ ده جلدی اعیان الشیعة\*



چکیده:

این نوشتار به بررسی و نقد استدراکات چاپ ده جلدی اعیان الشیعة که به تحقیق سید حسن امین چاپ شده، پرداخته است. در این مقاله به یک دست نبودن روش درج استدراکات، حذف و تکرار برخی از استدراکات، تعدد و یا زائد بودن برخی از مدخل ها پرداخته شده است.

کلید واژه: امین عاملی، سید محسن؛ اعیان الشیعة (کتاب)؛ امین، سید حسن؛ اعیان الشیعة (کتاب) - تعلیقات و استدراکات؛



اعیان الشیعة، سید محسن امین، تحقیق حسن امین، انتشارات دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق، بیروت.

اشاره

در شماره دوم مجله کتاب شیعه مقاله ای درباره نواقص و اشکالات کتاب اعیان الشیعة و لزوم تصحیح آن، منتشر شد. در مقاله حاضر، پاره ای از دیگر اشکالات چاپ ده جلدی اعیان الشیعة بررسی شده است. گفتنی است که مؤسسه کتاب شناسی شیعه، سالهاست تحقیق این اثر ارزشمند را وجهه همت خود قرار داده است.

نقدی بر درج استدراکات مؤلف اعیان الشیعة در چاپ ده جلدی یکی از بخش های مهم کتاب اعیان الشیعة، استدراکاتی است که مؤلف کتاب، مرحوم سید محسن امین رحمه الله در فواصل زمانی پراکنده ای، به کتاب خود افزوده است.

مراد از استدراکات، مطالب تکمیلی و اصلاحی است که خود مؤلف تحت همین عنوان «استدراک» آورده و در کنار «غلط نامه ها» و «نقدها»، نقش تصحیحی برای متن اصلی کتاب دارد.

از آنجا که نگارش و تألیف کتاب اعیان الشیعة بسیار زمان بر بوده و چاپ و ارائه هریک از مجلدات آن، بلافاصله پس از آماده شدن و به صورت مستقل - و نه به صورت دوره کامل - انجام می گرفته، مؤلف ناگزیر بوده است تا نکات تکمیلی و یا ایرادات مجلدات آماده شده را در انتهای همان مجلد و یا مجلدات بعدی بیاورد.

این استدراکات که با هدف تکمیل و یا تصحیح اطلاعات ارائه شده کتاب صورت می گرفته دارای اهمیت بسیار بوده است؛ زیرا گاه سبب رفع اشتباهات و اغلاط فاحشی می شده که وجودشان در چنین اثری مهم، می توانست تبعات منفی بسیاری داشته باشد.

اهتمام مؤلف به استدراکات کتاب کسانی که اعیان الشیعة - مخصوصاً چاپ قدیم آن - را ملاحظه نمایند، متوجه اهتمام مؤلف بر ضبط استدراکات خواهند شد و به این مطلب

مشکلات استدراکی اعیان الشیعة معروفترین تحقیق کامل کتاب اعیان الشیعة، چاپ ده جلدی آن است که به وسیله حسن امین (م ۱۴۲۳ق)، فرزند مؤلف، صورت گرفته و چندین بار در دارالتعارف بیروت به چاپ رسیده و می توان آن را رایجترین نسخه موجود در کتابخانه های سراسر جهان دانست. اما در این چاپ، حق کامل استدراکات مؤلف ادا نشده؛ زیرا عدم اعمال صحیح و کامل استدراکات و یکسان نبودن روش برای اعمال آن ها، و نیز دیگر اشکالاتی از این دست - که به مهمترین آن ها اشاره خواهیم کرد - سبب شده تا این اثر، از نظامی منسجم و کم عیب محروم باشد.

آنچه گفته شد به معنای نادیده گرفتن زحمات فراوان محقق این کتاب نیست، بلکه برای تبیین مشکلات متعدد موجود در این اثر است که ضرورت تحقیق مجدد آن را روشن می سازد. و اصرار بر لزوم تحقیق مجدد این اثر، برای بهره مندی بیشتر و دقیق تر محققان و اندیشمندان است؛ چنانکه این مطلب، مد نظر خود مؤلف نیز بوده است؛ مرحوم سید محسن امین رحمته الله به اصلاح و تحقیق کتاب خود توجه داشته و آن را از آیندگان طلب نموده؛ ایشان به عنوان نمونه در ترجمه (ابن سینا) ذیل عنوان «قصيدة المجربات» ۸۰/۶ می نویسد:

وله قصيدة المجربات لم يتيسر لنا وجدانها حين التأليف وكان قد علق بذهننا أبيات منها نثبها فيما يلي، فمن عثر عليها فليحققها بهذا الموضع.

همچنین در پاورقی انتهای ترجمه (حبة بن جوين البجلي) در ۳۸۹/۴ ذیل حدیثی از فلاح السائل می گوید:

لم يتيسر لنا الآن مراجعة فلاح السائل لننقل تمام الحديث فليحققه بهذا المكان من عثر عليه.

و نیز ضمن نقل جریانی مربوط به (حجرین عدی) می گوید: هذا ما فهمناه من ذلك الكلام وبقي فيه ما لم نستطع

خواهند رسید که ایشان تلاش داشته تا در اولین فرصت و جایگاه، استدراکات کتاب را بیاورد؛ چنانکه در آخرین بند از مقدمه اول کتاب اعیان الشیعة آمده است:

«نستدرك ما يفوتنا في الأجزاء السابقة في أواخر اللاحقة وكان ينبغي إفراده في جزء أو أجزاء تسمى المستدرك لكن لأنه لا يؤمن الحدثن عجلنا بإثباته في آخر الأجزاء».

هدف مؤلف از این کار، حفظ اطلاعات به دست آمده از تحقیقاتش بوده، هرچند چنین کاری ممکن بود ساختار و نظم متعارف کتاب را به هم بزند؛ به عنوان نمونه، در جلد دهم (ق) در چهار نوبت استدراکات را گنجانده است؛ در صفحه ۲۰۳ - ۲۰۴، همچنین ۳۹۳ - ۴۱۰، و نیز ۴۹۰ - ۵۰۴، و نهایتاً در صفحه ۵۱۵ - ۵۲۲، علاوه بر اینکه گاهی برخی استدراکات را به صورت مکرر آورده؛ به عنوان نمونه برخی استدراکات موجود در ۵۱۰/۹ (ق) در ۵۲۰/۱۰ (ق) نیز آمده است.

اما با وجود این اهتمام مؤلف، یقیناً هدف ایشان در مورد استدراکات، به صورت کامل محقق نشده؛ چون برخی و یا غالب مخاطبان چاپ قدیم کتاب، طبیعتاً در مراجعات معمول خود به هر کلام از تراجم، متوجه استدراکات احتمالی آن نبوده اند، و حتی محققان و اهل نظر نیز پس از تحقیق این کتاب به وسیله فرزند ایشان - حسن امین - بر تحقیق وی اعتماد کرده اند و چنانکه خواهیم گفت، از دست یافتن به برخی اطلاعات استدراکی مؤلف بی نصیب مانده اند.

در هر صورت، اهمیت این استدراکات، مسلم و غیر قابل تردید است، اما نحوه استدراک نویسی و پراکندگی آن - که لازمه روش چاپ و نشر در زمان مؤلف بوده است - مشکلات بسیاری را نیز به دنبال داشته که در این مجال بر آنیم تا به نمونه هایی از آن اشاره کنیم تا ضرورت تحقیق مجدد این کتاب - چنانکه در مؤسسه کتابشناسی شیعه در حال انجام است - روشن شود.

فهمه لشدة تحریفه، فمن وجد له نسخة صحيحة  
فليحقه بهذا المكان.

در هر صورت، مؤلف اعیان الشیعة، اصلاح و تحقیق کتاب  
خود را از جامعه علمی خواسته است و آنگونه نبوده که  
بر تعیین نوشته های خود اصرار داشته باشد. هر چند در  
تحقیق اینگونه آثار، رعایت امانت و حفظ اساس کتاب، مد  
نظر محققان است و به آن توجه دارند، ولی رفع اشکالات و  
ابهامات، و همچنین سامان بخشی معقول به کتاب را باید از  
رسالت محققان دانست.

**چگونگی دستیابی به اشکالات**  
یقیناً دستیابی به حجم زیاد مشکلات استدراکی کتاب،  
نیازمند آن است که تمامی استدراکات چاپ های قدیم  
استقصاء شده و یک به یک بررسی شود که آیا به صورت  
صحیح و کامل و طبق نظر مؤلف، اعمال شده است یا نه؟

از آنجاکه یکی از لوازم انجام تحقیق جدید اعیان الشیعة -  
چنان که در مؤسسه کتابشناسی شیعه در حال انجام است  
- بررسی تمامی چاپ های قدیم و جدید کتاب بوده است،  
این استدراکات به صورت کامل جمع آوری و دسته بندی  
شده و تحقیق پیرامون آن ها در حال انجام است. آنچه پیش  
رو دارید نتیجه بررسی بخشی از این استدراکات است که  
در قالب چند عنوان و با ذکر نمونه هایی از آن ارائه خواهد شد.

**نمونه هایی از مشکلات استدراک**  
مهمترین مشکلات استدراکات اعیان الشیعة ذیل این  
عناوین، قابل تبیین است:

#### ۱. نبودن روش واحد در اعمال استدراکات

ضرورت وجود روش و معیار واحد در امور تحقیقی، امری غیر  
قابل انکار است، برای بهره مندی کامل از استدراکات یک  
کتاب نیز باید روشی واحد را اتخاذ نمود تا مخاطبان اثر، دچار  
سردرگمی نشوند.

علی القاعده بهترین روش برخورد با استدراکات کتابی  
همچون اعیان الشیعة، آن است که مطلب استدراکی هر  
مدخل را ذیل همان مدخل - به عنوان مثال دریاورقی - آورده  
و استدراکات استقلالی - که دربردارنده مدخل مستقلی  
هستند - را نیز طبق چینش مورد نظر مؤلف - یعنی ترتیب  
الفبایی اسامی افراد - در بین مدخل های کتاب گنجاند.

خود مؤلف کتاب، بنای بر این روش - یعنی تلفیق و مزج  
ترجمه ها و استدراکات - داشته؛ به عنوان نمونه در  
۴۰۳/۱۷ (ق) به صورت استدراک، یادآوری شود که (ابو الأغر)  
را در دوجا - ۴۴۰/۸ و ۳۹۶/۱۰ (ق) - آوردیم و باید تلفیق شوند؛  
«فتؤخذ ترجمته من موضوعین».

اما عملکرد محقق اعیان الشیعة در مورد استدراکات  
مؤلف، گاه بر این منوال و گاهی نیز به گونه ای دیگر است؛  
به این معنی که گاهی استدراکات را بر اساس همان معیار  
مذکور، تفکیک کرده (مانند مدخل «السید میرزا ابو طالب  
ابن السید هاشم الحسینی الشیرازی» مذکور در ۵۱۸/۱۰  
(ق) که در ۳۶۸/۲ (ج) آورده شده) و گاهی نیز مجموعه ای از  
استدراکات را بدون هیچ دخل و تصرفی در یک قسمت  
از کتاب - که انتخاب آن قسمت نیز ملاک و معیار واحدی  
ندارد - آورده است (مانند استدراکات متعددی که در  
۴۴۸/۲ - ۴۵۴ و ۲۱۶/۳ (ج) آمده است). به همین جهت،  
ضعف در اعمال استدراکات اعیان الشیعة را می توان  
از مهمترین و چالشی ترین ایرادات چاپ ده جلدی رایج این  
کتاب دانست که بخش عمده ای از اشکالات به وجود آمده  
در استدراکات کتاب را - که به آن ها اشاره خواهیم کرد  
- سبب شده است.

#### ۲. جا افتادن استدراک و یا حذف یک مدخل

هر چند تلاش محقق کتاب - حسن امین - بر این بوده  
که به استدراکات مؤلف کتاب توجه نموده و آن ها را  
در جای خود اعمال نماید، اما افتادگی های متعددی در این

ترجمه «ابراهیم بن سلیمان مدنی» مذکور در ۷۳۲/۵ (ق)؛

ترجمه «المولی ابراهیم الکلبایکانی الجدی الاصفهانی»  
مذکور در ۵۱۲/۹ (ق)، در چاپ ده جلدی نیامده‌اند.

گاهی نیز استدراک موجود در چاپ اول قدیم، در چاپ دوم  
قدیم اعمال شده ولی در چاپ جدید ده جلدی، نه از اصل  
ترجمه و نه از استدراک آن خبری نیست؛ مثلاً ترجمه  
«ابراهیم بن اسماعیل بن ابراهیم بن الحسن بن علی بن ابی  
طالب» که در ۱۰۹/۵ (ق) آمده، در همان جلد ۵ (ق) ص ۷۲۵  
دارای استدراکی است که در چاپ دوم (ق) ص ۹۷ اعمال  
شده (هرچند به صورت ناقص) ولی در چاپ ده جلدی از  
اصل ترجمه و استدراک آن اثری نیست. درباره این مورد  
خاص هرچند احتمال اتحاد این شخص با ابراهیم طباطبا  
مذکور در ۱۴۰/۲ (ج) هست، ولی چنین احتمالی - هرچند  
قوی و یا حتی - نمی‌تواند توجیهی برای حذف مدخل  
مذکور باشد.

همچنین مؤلف در ۵۶۵/۱۴ (ق)، ترجمه «احمد بن جعفر  
الواسطی» را استدراک کرده که در چاپ جدید نیامده. نکته  
خاص در مورد این استدراک این است که همین جافتادگی،  
سبب شده تا ارجاعی که مؤلف در جلدهای بعدی کتاب،  
داده است بدون مرجع باشد؛ زیرا ایشان در ۲۹۵/۱۰ (ج) در  
ترجمه «التقیب ابو جعفر یحیی بن زید الحسنی العلوی»  
میفرماید: «ثم ذکر ابن ابی الحدید بحثه فی ذلک مع احمد بن  
جعفر الواسطی و ذکرناه فی ترجمته» و مراد از ترجمه مذکور،  
همین استدراکی است که در ۵۶۵/۱۴ (ق) آمده ولی در چاپ  
ده جلدی نیامده است.

از دیگر موارد بروز نقص در استدراکات، می‌توان به دو  
استدراک «الخطابی» و «الخطی» در ۳۶۴/۳۰ (ق) اشاره کرد  
که با هم تلفیق شده و تحت عنوان «الخطامی» - که خود  
عنوان نیز تلفیقی است - در ۳۲۵/۶ آمده است.

بخش به چشم می‌خورد که اگر نگوییم بنای محقق کتاب  
بر نیارودن آن‌ها بوده، یقیناً باید پذیرفت که از آن‌ها غفلت  
نموده است.

به عنوان نمونه:

ترجمه «ابو الفضل ابراهیم بن ابی عبد الله بن ابی ایوب  
الزنهاری» مذکور در ۶۹۹/۵ (ق)؛

ترجمه «ابراهیم بن ادهم الزاهد المشهور» مذکور در ۶۹۹/۵  
(ق)؛

ترجمه «السید ابراهیم الاردوبادی» مذکور در ۷۰۰/۵ (ق)؛

ترجمه «ابراهیم بن بشر بیاع السابری» مذکور در ۷۰۰/۵ (ق)؛

ترجمه «ابراهیم بن بشیر الرازی» مذکور در ۷۰۰/۵ (ق)؛

و ترجمه «ابراهیم بن حسان» مذکور در ۷۰۰/۵ (ق)، در چاپ  
ده جلدی نیامده‌اند.

نکته قابل توجه اینکه استدراک این شش مدخل، علاوه بر  
چاپ اول جلد ۵ (صفحات ۶۹۹ - ۷۰۰) پس از فوت مؤلف،  
عیناً در چاپ دوم جلد ۵ نیز (صفحات ۴۸۰ - ۴۸۲) تکرار  
شده، ولی با این حال، هیچ یک از آن‌ها در چاپ ده جلدی  
أعیان الشیعة نیامده‌اند.

ترجمه «ابراهیم بن محمد بن هارون التیمی همدانی» مذکور  
در ۷۲۳/۵ (ق) در چاپ ده جلدی نیامده است.

استدراکی که در ۷۲۹/۵ (ق) برای «ابراهیم بن الحسن بن  
الحسن بن علی بن ابی طالب» آمده و باید ذیل ترجمه او در  
۱۲۵/۲ (ج) بیاید، وارد نشده.

و نیز استدراکی که در ۷۲۹/۵ (ق) برای «الشیخ ابو البقاء  
ابراهیم بن الحسین بن ابراهیم الرقاء البصری» آمده و باید  
ذیل ترجمه او در ۱۲۸/۲ (ج) بیاید، وارد نشده.

همچنین چهار ترجمه دیگر، یعنی ترجمه «ابراهیم بن خزاز  
الکوفی» مذکور در ۷۳۰/۵ (ق)؛

ترجمه «ابراهیم بن رجاء الکوفی» مذکور در ۷۳۱/۵ (ق)؛

از دیگر اشکالات چاپ ده جلدی اعیان الشیعة، عدم اعمال نظر صریح مؤلف است: مؤلف در ۲۲۸/۱۵ (ق)، مدخلی تحت عنوان «الجارود بن عمرو» آورده و در استدراکی که در ۲۴۰/۲۴ (ق) آمده تصریح می کند که: «و الصواب ذكره في حرف الباء لا في حرف الجيم؛ لان الجارود لقب واسمه بشر». ولی با این حال در ۵۶/۴ (ج) این ترجمه تحت همان عنوان «الجارود» آمده و تنها در پاورقی، اشاره ای به آن استدراک شده است.

### ۳. ناقص آمدن استدراک

گاهی نیز برخی استدراکات به صورت ناقص آورده شده؛ به عنوان نمونه:

تممه استدراک مربوط به «ابراهیم بن الزیرقان التیمی الکوفی» مذکور در ۷۳۱/۵ (ق) با عنوان «اقول» که در ذیل ترجمه ایشان در ۱۳۹/۲ (ج) نیامده است.

همچنین مؤلف برای «ابو اسحاق ابراهیم بن اسحاق الاحمری النهاوندی» مذکور در ۱۱۱/۲ (ج)، دو استدراک در صفحات ۷۲۵ و ۷۵۲ جلد ۵ آورده که یکی وارد شده ولی دیگری اعمال نشده است.

نمونه دیگری از ناقص آمدن استدراک، در ۴۰۳/۲ (ج) است که مؤلف در ۵۱۶/۹ (ق) برای آن استدراکی ذکر کرده، اما این استدراک به صورت ناقص وارد شده و جالب آنکه همین استدراک در ۴۱۷/۲ (ج) به صورت کامل و ذیل مدخلی مستقل آورده شده است.

استدراک موجود در ۴۹۶/۸ - ۵۰۰ (ق) که مربوط به مدخل «الشیخ ابراهیم بن عیسی العاملی الحاریصی» مذکور در ۱۱۶/۲ - ۱۲۱ است نیز به صورت ناقص اعمال شده و بخشی از صدر این استدراک - در حدود ۲ صفحه - به چاپ جدید منتقل نشده است.

استدراک موجود در ۵۰۳/۸ (ق) نیز که مربوط به ترجمه «السید ابو الحسن الملقب ملاذ العلماء ابن السید بنده

حسین ابن السید محمد دلدار علی النقوی الهندی» مذکور در ۳۲۴/۲ (ج) است، به صورت ناقص اعمال شده است.

درباره ترجمه «الشیخ ابراهیم بن الشیخ نصر الله بن الشیخ ابراهیم ... العاملی الطیبی» نیز که در ۴۹۱/۵ (ق) و ۲۳۲/۲ (ج) آمده، مؤلف دو استدراک آورده که در ۳۲/۶ و ۴۳۱/۳۳ (ق) ذکر شده که یکی از این دو استدراک کلاً نیامده و دومی نیز به صورت پاورقی در ۲۳۲/۲ (ج) آمده است.

مرحوم آیه الله مرعشی رحمته الله استدراکی برای «السید میرزا ابو القاسم بن محمد نبی الحسینی الشریفی الذهبی الشهیر بأقا میرزا بابا» دارند که در ۵۱۹/۹ (ق) آمده، ولی به صورت ناقص، و همچنین جذای از اصل ترجمه، در ۴۱۸/۲ (ج) آورده شده؛ یعنی علاوه بر حذف اظهار نظر صاحب استدراک مبنی بر احتمال اتحاد این شخص با فردی دیگر، با دو صفحه فاصله بعد از اصل ترجمه آورده شده است.

### ۴. تکرار استدراک

یکی از پیامدهای نبود روش واحد در اعمال استدراکات، تکرار یک استدراک در دو جای کتاب، و به تبع آن، تعدد مدخل است.

به عنوان نمونه:

مدخل «احمد بن عبد الله بن نصر ابو بكر الذراع النهروانی» در دو جای از چاپ قدیم، یعنی: ۵۱۰/۹ و ۵۲۰/۱۰ (ق) به عنوان استدراک آورده شده که به دلیل نظام مند نبودن اعمال استدراکات، یکبار به همراه سایر استدراکات جلد ۹ (ق) و به صورت تفکیک نشده در ۶۲۵/۲ (ج) آمده، و یکبار نیز به اعتبار ذکر شدنش در جلد ۱۰ (ق)، تفکیک شده و در جای صحیح خود، یعنی ۱۵/۳ (ج) آورده شده است.

همین مطلب در مورد «حبیب بن عمرو» که به صورت استدراک در ۴۳۲/۳۳ (ق) آمده نیز مشاهده می شود که هم تحت عنوان «المستدرکات» در ۱۸۶/۷ (ج) آمده و هم عیناً

در جای صحیح خودش یعنی ۵۵۳/۴ (ج) آورده شده است.

همچنین در صفحات ۴۸۹ - ۴۹۲ از جلد ۹ (ق)، چند مدخل به صورت استدراک - چه استدراک مستقل و چه استدراک تکمیلی - آورده شده‌اند که عیناً - و بدون آنکه تفکیک شده و هر کدام در جای خود قرار بگیرند - هم در ۱۲۶/۲ (ج) و هم در ۲۱۹/۲ - ۲۲۰ (ج) آورده شده است. و نکته جالب‌تر آنکه در هر دو مورد، استدراکات ناقص آورده شده، یعنی در مورد اول، یک ترجمه از صدر استدراکات افتاده و در مورد دوم نیز دو استدراک به همراه تمه یک استدراک دیگر افتاده‌اند.

البته این تکرارها، گاه به تکرارهای سه‌باره نیز می‌انجامد، و آن در جایی است که استدراک، جنبه تکمیلی برای مدخلی دارد که قبلاً در کتاب موجود بوده، و آمدن یک استدراک در دو جای مختلف کتاب، به معنای سه‌باره آمدن یک مدخل خواهد بود که یقیناً برای مراجعه‌کنندگان به کتاب و محققان، مشکل‌ساز است؛ به عنوان مثال:

مدخل «الشیخ احمد البحرینی» و «الشیخ جمال الدین ابو الفتوح احمد بن الشیخ ابی عبد الله بلکوبن ابی طالب بن علی الآوی» هر کدام عیناً در ۴۸۴/۲ و ۱۲۶/۳ و ۲۱۹/۳ (ج) تکرار شده‌اند.

#### ۵. تعدد مدخل

علاوه بر نمونه‌های ذکر شده در بند گذشته، نیامدن استدراک در ذیل خود ترجمه، گاه سبب تعدد مدخل شده است. به گونه‌ای که در وهله اول چنین به نظر می‌رسد که یک ترجمه، دوبار تکرار شده ولی پس از مراجعه به آن‌ها روشن می‌شود که یکی از آن دو شامل ترجمه، و دیگری دربردارنده استدراک آن است.

به عنوان نمونه:

مدخل «المیرزا ابراهیم بن الحسین بن علی بن عبد الغفار

الدنبلی الخوئی» در صفحات ۱۳۵ و ۲۵۵ جلد ۲ (ج) آمده است.

مدخل «ملا ابراهیم» در صفحات ۲۱۶ و ۲۵۵ جلد ۲ (ج) تکرار شده است.

مدخل «ابو الفضل التیمی» در ۳۹۷/۲ و ۳۹۸ (ج) تکرار شده است.

مدخل «المیرزا ابو القاسم بن محمد حسن الجیلانی صاحب القوانين» در صفحات ۴۱۱ و ۴۱۷ جلد ۲ (ج) آمده است.

مدخل «السید میرزا ابو القاسم بن محمد نبی الحسینی الشریفی الذهبی الشهیر بآقا میرزا بابا» در صفحات ۴۱۶ و ۴۱۸ جلد ۲ (ج) آمده است.

مدخل «السید ابو طالب ابن السید ابو تراب القاینی» در صفحات ۳۶۴ و ۴۵۱ جلد ۲ (ج) آمده است.

مدخل «ابونیزر» در صفحات ۴۵۰ و ۴۵۳ جلد ۲ (ج) آمده است.

مدخل «ابوالمولی الانصاری» در صفحات ۴۳۶ و ۴۵۲ جلد ۲ (ج) آمده است.

مدخل «ابوهریره» در صفحات ۴۴۱ و ۴۵۳ جلد ۲ (ج) آمده است.

مدخل «ابو المؤمن الوائلی» در صفحات ۴۲۲ و ۴۳۶ جلد ۲ (ج) آمده است.

مدخل «الشیخ جمال الدین احمد بن الحسین بن الواهانی» در صفحات ۵۱۱ و ۵۷۰ جلد ۲ (ج) آمده است.

مدخل «الشیخ احمد ابن الشیخ علی ابن الشیخ محمد رضا ... کاشف الغطاء» که اصل ترجمه آن در ۱۸۱/۹ (ق) و استدراکش در ۲۴۱/۱۳ (ق) آمده در ۴۹/۳ و ۵۳/۳ (ج) به صورت دو مدخل آمده است.

مدخل «ابو بکر احمد بن محمد ... الصنوبری» در صفحات ۹۵ و ۱۴۲ جلد ۳ (ج) آمده است.

مدخل «السید الامیر الامام المرتضی زین الدین ... الجرجانی» در صفحات ۳۱۸ و ۳۲۰ جلد ۳ (ج) آمده است.

مدخل «الأعمش» نیز که اصل آن در ۴۳۵/۱۲ (ق) و استدراکش در ۲۹۶/۱۳ (ق) آمده، در صفحات ۴۶۷ و ۴۶۸ جلد ۳ (ج) آورده شده و نکته جالب آنکه مدخل استدراسی، قبل از مدرک اصلی ذکر شده ولی با این حال، عبارت «مر» موجود در آن - که بنا بر چینش چاپ قدیم بوده - همچنان باقی مانده و اصلاح نشده است.

مدخل «احمد بن هارون الفامی» در ۲۰۰/۳ و ۱۸۶/۷ (ج) تکرار شده است.

مدخل «ثامر بک بن حسین بک» نیز در ۲۰۰/۴ و ۱۸۶/۷ (ج) تکرار شده است.

گاهی هم تعدد مدخل، درباره استدراکات استقلالی - که در بردارنده ترجمه‌ای مستقل هستند - پیش آمده؛ چنانکه مدخل «السید ابو الحسن ابن الشاه کوثر النجفی» که در ۴۹۱/۷ (ق) به عنوان استدراک آمده، علاوه بر اینکه طبق نظم معمول کتاب در ۳۳۶/۲ (ج) اعمال شده، در ۴۵۱/۲ (ج) نیز ضمن دیگر استدراکات عیناً تکرار شده است.

همین روند در مورد مدخل «الخاجه ابراهیم بن محمد بن عبد الله بن اسماعیل بن تقی کاتب دیوان السلطنه بأوال» مذکور در ۴۸۹/۷ (ق) نیز پیش آمده و این مدخل عیناً در ۲۱۲/۲ و ۳۳۶/۲ (ج) تکرار شده است.

مدخل (الداری) که به صورت استدراک در ۳۶۷-۳۶۶/۳۰ (ق) آمده، در چاپ ده جلدی مکرر ذکر شده؛ در ۳۲۶/۳ به طور ناقص و در ۳۶۴/۶ کامل آمده است.

موارد دیگری از تعدد مدخل را می توان در عنوان بعدی؛ یعنی «زائد بودن استدراک» نیز مشاهده کرد.

#### ۶. زائد بودن استدراک

از جمله اشکالات پیش آمده درباره استدراکات اعیان

نقدی بر چاپ ده جلدی اعیان الشیعه

الشیعة آن است که استدراک در جای خود اعمال شده ولی با این حال همان استدراک به صورت مجزا و ذیل مدخل مستقل نیز آورده شده است؛ یعنی زاید بودن استدراک و به تبع آن، زاید بودن مدخل را رقم زده است. و این نیست مگر به دلیل عدم وجود روش واحد در اعمال استدراکات. به عنوان مثال:

مؤلف در ۵۰۷/۸ (ق) استدراسی برای مدخل «السید المیرزا ابو القاسم ابن الامیر کاظم الموسوی الزنجانی» آورده که در ۴۰۹/۲ (ج) ذیل ترجمه ایشان اعمال شده، ولی با این حال در ۴۵۳/۲ (ج) نیز آمده که ضرورتی نداشته است.

همچنین استدراسی که برای «الشیخ حسین العاملی» در ۴۳۳/۳۳ (ق) آمده، علاوه بر اینکه به اصل ترجمه در ۱۳۷/۶ (ج) ملحق شده، در ۱۸۷/۷ (ج) نیز به صورت استدراک آمده است.

#### ۷. نامرتب بودن مدخل ها

چنانکه پیش تر نیز اشاره شد، ساختار اصلی اعیان الشیعة بر اساس روشی متعارف - ترتیب الفبایی - شکل گرفته، و نظر مؤلف درباره استدراکات نیز بر نظم بخشیدن آنها بوده؛ چنانکه در باورقی ۵۶۶/۲ (ج) می گوید:

«هذه تراجم كان حقها التقديم فَأُخِّرَتْ سهواً و مرلها نظائر كان حقها التقديم فَأُخِّرَتْ سهواً».

اما گاهی اعمال ناصحیح برخی استدراکات در چاپ ده جلدی، موجب برهم خوردن این نظم شده؛ به عنوان نمونه:

محقق کتاب، در ۲۷۵/۲-۲۸۲ (ج) پس از اتمام مدخل های آغاز شده به «ابن» و «ابنة»، مجموعه ای از استدراکات مؤلف در چاپ قدیم را بدون تفکیک و به صورت یکجا افزوده که باعث بهم ریختگی نظم الفبایی شده است.

نکته جالب تر اینکه علاوه بر نابسامانی این مجموعه از استدراک ها، در ۲۸۱/۲ (ج)، ترجمه «السید المیرزا ابو القاسم

قائمقام ابن المیرزا عیسی بن محمد حسن ... الفراهانی و نیز استدراکی از مشترکات کاظمی «هدایة المحدثین» درباره اسامی آغاز شده به «ابن» را آورده و مجدداً در ۲۸۲/۲ (ج) به همان مدخل‌های آغاز شده به «ابن» برگشته، و در نهایت نیز مدخل‌های «الآبی»، «الأبار»، «الأبرش»، «الابزازی»، «الابلی»، «الابهری»، «الاثرو» و ... را آورده است.

البته دلیل این ناپسامانی مشخص است و آن این که محقق کتاب، پس از پایان یافتن مدخل‌های آغاز شده به «ابن» تمامی مستدرکات آن را از جلد‌های متعدد چاپ قدیم جمع‌آوری و افزوده که اتفاقاً در میان این استدراکات، ترجمه (قائم مقام فراهانی) و مدخل‌هایی چون «الآبی»، «الأبار»، «الأبرش»، «الابزازی» و ... نیز بوده است.

مشابه همین بی‌نظمی در استدراکات مدخل‌های آغاز شده به «أب» در ۴۴۸/۲ - ۴۵۲ (ج) نیز به چشم می‌خورد.

همچنین در ۴۵۳/۲ (ج) مدخل «السید ابو القاسم بن الحسین بن التقی الرضوی القمی اللاهوری» و سه مدخل پس از آن، که به عنوان استدراک در ۵۰۶/۸ - ۵۰۷ (ق) آمده اند، بدون اشاره به استدراک بودنشان، در انتهای مدخل‌های آغاز شده به «أب» آورده شده اند.

نمونه دیگری از این دست، در ۱۲۳/۲ - ۱۲۴ (ج) دیده می‌شود که در میان مدخل «ابراهیم الحر» و «ابراهیم الحرفوشی» ۱۶ مدخل استدراکی - از «ابراهیم الاردبیلی» تا «ابراهیم بن الیسع» که در ۲۳۴/۷ - ۲۳۸ (ق) آمده اند - گنجانده شده است که به دلیل عدم اشاره به استدراک بودنشان، بی‌نظمی شدیدی به ساختار کتاب تحمیل کرده است.

#### ۸. اخلاص در ارجاعات

از دیگر اشکالاتی که به دلیل عدم دقت در اعمال استدراکات پیش آمده، ناصحیح بودن ارجاعات در استدراکات است که شامل ارجاعات غیر استدراکی

نیز می‌شود. علی‌القاعده هر استدراکی پس از اصل مدخل می‌آید، از این رو همیشه ارجاعات موجود در استدراکات، ارجاع به ما بعد است که با عبارات «مرّ» و «مرّت» و امثال آنها بیان می‌شود، اما در موارد متعددی از استدراکات موجود در چاپ ده جلدی، مدخلی که در بردارنده استدراک است، به جای اینکه بعد از اصل ترجمه آمده باشد، پیش از آن آمده ولی در عین حال ارجاعات موجود در آن با همان عبارات «مرّ» و «مرّت» باقی مانده و به «یأتی» و «تأتی» تغییر نیافته است.

به عنوان نمونه:

مدخل اصلی «ابو الفضل التیمی» در ۸۳/۷ و استدراک آن در ۲۱۷/۱۳ قدیم آمده، اما در چاپ ده جلدی، استدراک مقدم شده، یعنی اصل ترجمه در ۳۹۸/۲ و استدراکش در ۳۹۷/۲ آمده و عبارت «تقدّم» موجود در استدراک، همچنان باقی مانده و تصحیح نشده است.

مدخل «الأعشم» که اصل آن در ۴۳۵/۱۲ (ق) و استدراکش در ۲۹۶/۱۳ (ق) آمده، در صفحات ۴۶۷ و ۴۶۸ جلد ۳ آورده شده و مدخل استدراکی، قبل از مدرک اصلی ذکر شده، ولی با این حال، عبارت «مرّ» موجود در آن - که بنا بر چینش چاپ قدیم بوده - همچنان باقی ماده و اصلاح نشده است.

و نیز عبارت «و مرّ» موجود در ترجمه «ابراهیم بن ابی اسرائیل» در ۱۰۸/۲ (ج) ارجاع به مدخل «ابراهیم بن اسرائیل» موجود در ۱۱۷/۲ (ج) است و باید در مورد آن از عبارت «یأتی» و مانند آن استفاده شود. البته این مورد، از موارد ارجاعات غیر استدراکی است.

همچنین عبارت «و مرّت ترجمة أبيه» که در ترجمه (ابو البرکات بن ارسلان) در ۲۹۰/۲ (ج) آمده، راجع به ۲۳۹/۳ (ج) است و استفاده از تعبیر «مرّت» صحیح نیست و نیازمند اصلاح است.

چنانکه گفته شد، اگر در اعمال استدراکات، روشی

واحد اتخاذ شده و هر استدراکی ذیل اصل ترجمه آورده می‌شد، چنین معایبی نیز شکل نمی‌گرفت.

#### ۹. ناپجا آمدن استدراک

گنجانده شدن صحیح استدراک در متن اصلی، لازمه مفید بودن آن است که عدم رعایت آن، نه تنها سبب رفع ابهام و افزایش اطلاعات نمی‌شود، بلکه باعث اغماض متن و گرفتاری مخاطبان در اشتباه می‌گردد.

جابجا آمدن برخی استدراکات، از دیگر اشکالات پیش آمده در اعیان الشیعة است که به نمونه هایی از آن اشاره می‌کنیم:

استدراک مؤلف در ۳۶۷/۳۰ (ق) که مربوط به «السید ابو الفضل الداعی بن علی الحسینی السروی» است، در ۳۶۵/۶ (ج) به جای آنکه ذیل اصل مدخل بیاید، با دو مدخل فاصله، ذیل مدخل «الدولی» آمده و عملاً توضیح «و فی الرياض...» که مربوط به «ابوالفضل السروی» است، به ترجمه «الدولی» ملحق شده.

در ۵۵۳/۴ (ج) نیز دو استدراک به صورت ناصحیح اعمال شده، به این معنی که محقق کتاب، دو مدخل مذکور در ۴۸۰/۲۱ و ۴۳۲/۳۳ (ق) را بلافاصله بعد از ترجمه «حبیب بن ابی ثابت الاسدی» آورده، غافل از آنکه ترجمه «حبیب» دارای تئمه‌ای است که با عنوان «التمییز» آمده است. نتیجه آنکه میان ترجمه «حبیب بن ابی ثابت الاسدی» و «التمییز» که ذیل آن محسوب می‌شود، دو مدخل فاصله شده است.

نمونه‌ای دیگر از این قبیل، استدراک مذکور در ۳۸۴/۱۷ (ق) است با سرآغاز «فی البدر الطالع...» که مربوط به «السلطان احمد ابن الشیخ اویس بن حسین الایلخانی الجلائری» بوده و باید در انتهای ترجمه ایشان در ۴۸۴/۲ (ج) بیاید، در صورتی که در صفحه بعد و ذیل مدخل بعدی، یعنی «الشیخ جمال الدین احمد بن ابراهیم بن الحسین الکروانی» آمده است و

نتیجه آنکه بخشی از ترجمه یک سلطان، به ترجمه یک عالم که از شاگردان شهید اول است ملحق شده!

گذشته از این موارد، لازم است به نمونه‌ای اشاره شود که می‌توان آن را شاهکاری در خلط عبارت دانست! مؤلف کتاب، مدخلی استدراکی را تحت عنوان (الأصبیحی) در ۲۹۵/۱۳ (ق) آورده است که باید طبق چینش معمول، قبل از (الأصبیح بن الأصبیح) در ۴۶۴/۳ (ج) قرار بگیرد، اما این عنوان استدراکی به همراه متن مربوط به آن، دقیقاً بین عنوان (أصبیح) و متن مرتبط با آن قرار گرفته است، یعنی در چاپ ده جلدی فعلی، یک مدخل کاملاً مستقل، در وسط مدخلی دیگر گنجانده شده و چنین شکلی پیدا کرده: «الأصبیح بن الأصبیح [الأصبیحی، یوصف به عبد الله بن اویس و مالک بن أنس] روی الشیخ...».

#### ۱۰. عدم تذکر استدراک بودن مطلب

در صورتی که بنای محقق کتاب بر این باشد که مجموعه‌ای از استدراکات موجود در چاپ قدیم را به همان شکل و بدون تفکیک در جایی بگنجانند، لااقل اشاره به استدراک بودن و تعیین صدر و ذیل آن‌ها لازم است تا ساختار معمول کتاب مختل نشده و مطالعه‌کننده نیز به اشتباه نیفتد. در چاپ ده جلدی رایج اعیان الشیعة به برخی استدراکات برمی‌خوریم که بدون اشاره به استدراک بودنشان، در میان سایر مدخل‌ها گنجانده شده‌اند.

نمونه: مؤلف اعیان الشیعة در ۳۳۴/۷-۳۳۹ (ق)، ۱۶ مدخل را به صورت استدراک و با این عنوان (استدراک، هذه عدة تراجم لمن اسمه ابراهیم اطلعنا علیها بعد فوات محلها فذكرناها فی هذا الموضع) آورده که در چاپ ده جلدی جدید، بدون اشاره به استدراک بودنشان در ۱۲۴-۱۲۳/۲ در میان ترجمه (الشیخ ابراهیم الحر العاملی الصوری) و (الامیر ابراهیم الحرفوشی) گنجانده شده که به شکلی واضح، ترتیب الفبایی مدخل‌ها را مختل کرده است.

۱۱. عدم ذکر نام صاحب استدراک

برخی از اصلاحات و اضافات صورت گرفته در اعیان الشیعة، استدراکاتی است از دیگر عالمان، که از جای جای دنیا برای مرحوم مؤلف فرستاده می شده تا در ضمن کتاب گنجانده و اطلاعات آن را اصلاح و یا تکمیل نماید. از جمله استدراکاتی که مرحوم آیه الله مرعشی رحمه الله و شیخ آقا بزرگ طهرانی رحمه الله برای ایشان ارسال می نمودند.

در چنین مواردی بنای مؤلف اعیان الشیعة بر امانت داری بوده به این بیان که نام صاحب استدراک برده شود؛ چنانکه ایشان در میان استدراکات صفحه ۵۱۰ - ۵۲۰ جلد ۹ (ق) بخشی از استدراکات مربوط به مرحوم آیه الله مرعشی (ره) را چنین ارائه نموده:

«استدراکات للأجزاء السابقة جائت من السيد شهاب الدين الحسيني النجفي التبریزی نزیل قم و فیها تراجم بعضها فاتنا ذکرها فی محلها وبعضها فیها زیادة علی ما ذکرناه فی محله».

این استدراکات شامل ۳۱ مورد است که سید محسن امین (ره) علاوه بر یادآوری ابتدایی، در فاصله این ۱۰ صفحه، چهار مرتبه دیگر، نام مرحوم مرعشی (ره) را ذکر می کند.

اگر به عنوان نمونه بر روی همین ۳۱ مورد متمرکز شویم خواهیم دید که نام مرحوم مرعشی (ره) تنها دو بار در ۴۱۷/۲ (ج) در ترجمه «السید ابو القاسم الدهکردی نزیل اصفهان» و استدراک ترجمه «المیرزا ابو القاسم بن محمد حسن الجیلانی القمی صاحب القوانين» آمده است. در صورتی که لازمه تفکیک استدراک ها، یادآوری نام صاحب استدراک در ذیل هریک از آن ها است.

علاوه بر اینکه برخی از این استدراک ها در چاپ جدید اصلاً وارد نشده و تعدادی نیز به صورت ناقص منعکس شده اند؛ مثلاً استدراکات مربوط به «الشیخ ابراهیم بن عبد النبي البحرانی»، «الشیخ ابو تراب الشیرازی» و «المیرزا

ابو تراب القزوینی» که در ۵۱۲/۹ - ۵۱۳ (ق) ذکر شده اند در چاپ جدید نیامده اند و مدخل «المولی ابراهیم الکلبایکانی الجدی الاصفهانی» مذکور در ۵۱۲/۹ (ق) نیز در اعیان الشیعة اضافه نشده است.

همچنین به عنوان نمونه: توضیح مهم مرحوم مرعشی (ره) درباره یکی از آثار «المولی ابراهیم الجیلانی» که در ۵۱۱/۹ (ق) آمده و فرموده: «وعندی بعضها بخطه الشریف» و همچنین توضیح مربوط به کتاب «الآقا ابراهیم الخطاط» که در همان ۵۱۱/۹ (ق) آمده و فرموده: «رأیته ببلدة تبریز» از استدراک مربوط به ایشان افتاده است. و یا توضیح «وفاته ۱۳۲۵ کما کتب علی لوح قبره» که در ۵۱۳/۹ (ق) آمده نیز در ترجمه «السید ابو جعفر ابن السید صدر الدین العاملی الاصفهانی» در ۳۱۵/۲ (ج) نیامده؛ در صورتی که این ترجمه به دلیل مبهم بودن تاریخ وفات صاحبش، نیازمند این استدراک بوده است؛ زیرا سید محسن امین (ره) تاریخ وفات ایشان را به صورت تقریبی چنین آورده: «توفی سنة ۱۳۲۰ و نیف» و استدراک مرحوم مرعشی (ره) می تواند این ابهام را برطرف ساخته و تاریخی دقیق و مستند را ارائه نماید.

گذشته از آنچه اشاره شد، گاهی نیز نام صاحب استدراک حذف شده ولی عبارتی از ایشان باقی مانده که خواننده کتاب، برای برگرداندن مرجع ضمیر موجود در آن دچار مشکل می شود؛ نمونه: مرحوم مؤلف در ۵۱۴/۹ - ۵۱۵ (ق) مدخلی استدراکی به نقل از مرحوم مرعشی (ره) به نام «المیرزا ابو طالب ابن المیرزا ابی المحسن الحسینی القمی» آورده که در ۳۶۸/۲ - ۳۶۹ (ج) بدون اشاره به نام مرحوم مرعشی (ره) آمده که در ضمن آن این عبارت به چشم می خورد: «قال: رأيتها بخطه الشریف» در حالی که مرجع ضمیر «قال» - که مرحوم مرعشی است - مشخص نیست و یقیناً این ابهام و امثال آن، بدون بررسی استدراکات موجود در چاپ های قدیم، قابل رفع نخواهد بود.

نقدی بر چاپ و جلدی اعیان الشیعة



### نتیجه‌گیری

پیش از بیان نتیجه این تحقیق، تذکر چند مطلب ضرورت دارد:

۱. آنچه در این مقاله مطرح شد، تنها بخشی از اشکالات مرتبط با اعمال استدراکات مؤلف کتاب اعیان الشیعة بر کتاب خود بود که در مراحل آغازین تحقیق جدید اعیان الشیعة به آن برخوردیم.

۲. علاوه بر استدراکات، این کتاب دارای بخش‌های دیگری از جمله نقدها و تقریظ‌هایی است که هریک از آن‌ها نیز دچار چنین ایراداتی هستند و ان شاء الله آن‌ها نیز در جای خود بررسی خواهند شد.

۳. طرح این مقاله، تنها جنبه علمی داشته و هدف این قلم - چنانکه در عنوان مقاله نیز آمده است - بررسی اجمالی استدراکات اعیان الشیعة و بیان گوشه‌ای از ایرادات و اشکالات پیش آمده در مسیر اعمال آن‌ها در چاپ ده جلدی است که به وسیله فرزند مؤلف، حسن امین، تحقیق شده، اما چنانکه پیش‌تر نیز گفتیم، هدف ما زیر سؤال بردن اصل تحقیق این اثر و زحمات محقق آن نیست؛ زیرا می‌دانیم محقق کتاب - چنانکه خود نیز بیان داشته - برای تکمیل کاری بدیل پدر خویش، همت نموده و تلاش داشته تا کار عظیم ایشان ناتمام نماند و در این راه نیز متحمل زحمات بسیاری شده است.

نتیجه آنکه با بیان برخی اشکالات پیش آمده در مسیر تحقیق پیشین این اثر روشن می‌گردد که این اثر ارزشمند و کم‌نظیر شیعی، نیازمند تحقیقی جدید و جامع است تا بتوان نواقص و ایرادات و کاستی‌هایی که بر آن مترتب شده را رفع نمود و دائرةالمعارف اعیان الشیعة را در قالبی شایسته و درخور به جامعه علمی جهان ارائه نمود.

با عنایت به نکات یاد شده، و نیز مطالبی که در شماره دوم مجله کتاب شیعه درباره اعیان الشیعة گذشت، ادعای برخی پژوهشگران مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه مبنی بر وجود ده هزار خطای چاپی و علمی در چاپ ده جلدی - و همچنین چاپ پانزده جلدی - اعیان الشیعة مبالغه نیست. و امید است به همت پژوهشگران مؤسسه، این اثر قیّم، با تحقیقی روشمند و علمی، چاپ و منتشر شود.

پانوش

\*. در این نوشتار، علامت اختصاری (ج) اشاره به چاپ جدید ده جلدی اعیان الشیعة (طبع دارالتعارف بیروت) و علامت (ق) اشاره به چاپ قدیم ۵۶ جلدی (طبع دمشق) است.